
درآمدی بر فلسفه اخلاق از دیدگاه

متفکران مسلمان معاصر ایران

فهرست اجمالی مطالب

صفحه

عنوان

در آغاز کلام

۱	۱- فلسفه اخلاق علامه محمد حسین طباطبایی
۱	الف- اخلاق شناسی
۱۸	ب- رابطه دین و اخلاق
۲۶	۲- فلسفه اخلاق استاد محمد تقی جعفری
۷۱	۳- فلسفه اخلاق دکتر عبدالکریم سروش
۱۴۵	۴- فلسفه اخلاق دکتر مهدی حایری یزدی
۱۶۵	۵- فلسفه اخلاق استاد مرتضی مطهری
۱۹۵	۶- فلسفه اخلاق استاد مصباح یزدی
۲۸۴	۷- فلسفه اخلاق استاد جعفر سبحانی
۲۹۹	۸- فلسفه اخلاق استاد مصطفی ملکیان

فهرست تفصیلی مطالب

۱- فلسفه اخلاق علامه محمد حسین طباطبایی

۱	الف - اخلاق شناسی
۱	تفکیک دو منبع در مباحث فلسفه اخلاق از نظر علامه
۳	جنبه های مختلف در اخلاق شناسی علامه
۳	جنبه معرفت شناسی اخلاق
۵	نکاتی در باب حسن و قبح از نظر علامه
۶	نتیجه گیری
۶	جنبه هستی شناختی اخلاق
۷	جنبه روان شناختی اخلاق
۷	جنبه جامعه شناختی اخلاق
۸	مکاتب سه گانه اخلاق
۸	۱- مکتب یونانی
۸	۲- مکتب دینی عام
۹	۳- مکتب دینی خاص یا مکتب اخلاقی قرآن
۹	الف - اتکا بر توحید
۱۰	ب - هدف اخلاق
۱۱	ج - روش تربیتی مکتب اخلاقی قرآن، پیشگیری در سایه توحید
۱۱	تمایز و امتیاز اخلاق دینی در نزد دیگر متفکران
۱۲	شکوفایی تدریجی فطرت اخلاقی در انسان
۱۳	فطری بودن امور اخلاقی در عین اختلاف در شدت وضوح آنها

۱۴	مسأله حسن و قبح افعال الهی
۱۶	پی‌نوشت‌ها

ب - رابطه دین و اخلاق

پیشینه بحث

۱۸	رابطه دین و اخلاق از جنبه‌ها و ابعاد مختلف
۱۹	۱- جنبه معرفت‌شناسی
۱۹	۲- جنبه هستی‌شناسی
۲۰	۳- جنبه روان‌شناسی
۲۱	دو نکته و نتیجه
۲۲	۴- جنبه جامعه‌شناسی
۲۴	پی‌نوشت‌ها
۲۵	

۲- فلسفه اخلاق استاد محمد تقی جعفری

الف - اخلاق

۲۷	الف - ۱- چیستی اخلاق
۲۷	الف - ۲- تاملی در اصطلاحات مرتبط با اخلاق
۲۹	الف - ۳- گستره و غایت اخلاق
۳۰	الف - ۴- وجود تنوع و دیدگاه‌های متعدد در حوزه اخلاق
۳۰	الف - ۴- ۱- تنوع روشها و طرق اخلاقی
۳۱	الف - ۴- ۲- دیدگاه‌هایی چند در اخلاق مطلوب
۳۲	الف - ۵- اهمیت و ضرورت اخلاق
۳۳	الف - ۶- علم اخلاق و فلسفه اخلاق
۳۴	الف - ۷- امکان نگرش علمی و فلسفی به اخلاق

۵۰	ج - ۳- تحول تاریخ و جهان معاصر و ثبات جنبه اخلاقی انسان
۵۰	ج - ۴- استعداد ذاتی انسان، ریشه شکوفایی اخلاقی و ارزشی
۵۱	ج - ۵- بنیاد و اساس اخلاق
۵۱	ج - ۶- مساله وجدان
۵۲	ج - ۶- ۱- نکاتی در باب وجدان
۵۴	ج - ۶- ۲- چگونگی ظهور وجدان اخلاقی و اخلاقیات
۵۵	ج - ۷- اوصاف فعل اخلاقی و ارزشی
۵۶	ج - ۸- ویژگیهای «خود طبیعی»
۵۶	ج - ۹- یادداشتی در باب «کمال»
۵۸	د - مباحث معرفت شناختی در مورد اخلاق
۵۹	د - ۱- دریافت مستقیم امور اخلاقی و تشکیل مفاهیم و قضایا
۶۰	د - ۲- تأملی در اوصاف قضایای اخلاقی
۶۲	د - ۳- اخلاق، عقلانیت و منطق
۶۲	د - ۴- اصول ثابت و متغیر در اخلاق
۶۴	تحلیل رابطه بایدها و هستها
۶۶	پی نوشتها
	۳- فلسفه اخلاق دکتر سروش
	۱- اخلاق
۷۲	
۷۵	ذو مراتب بودن اخلاق
۷۶	تقسیمی دیگر در اخلاق

۷۷	تأملی در نظریه حدوسط
۷۸	اخلاق در جامعه امروز ما
۸۰	نکاتی در باب اخلاق، جامعه و تمدن
۸۱	واقع بینی در حوزه ارزشها
۸۲	۲- فلسفه اخلاق
۸۳	۳- اخلاق، حوزه‌ها و ساحتهای دیگر
۸۳	الف - علم و ارزش
۸۶	مکتب فرانکفورت، جریان پست مدرن و مساله دانش و ارزش
۸۸	ارزشها و بررسی علمی آنها
۹۰	دانش و ارزش در اسلام
۹۰	نکاتی دیگر در باب دانش و ارزش
۹۱	جهان بینی و ایدئولوژی
۹۲	ب - اخلاق و دین
۹۶	ب - ۱- معرفت دینی و معرفت اخلاقی
۹۷	ب - ۲- علم اخلاق و دین
۹۷	ج - اخلاق و فقه
۹۸	د - اخلاق و الهیات
۹۹	ه - اخلاق و فلسفه سیاسی
۹۹	۱- اخلاق و دولت
۹۹	۲- خدای اخلاقی و مشی سیاسی
۹۹	۳- اخلاق و آزادی
۱۰۰	۴- اخلاق و عدالت اجتماعی
۱۰۰	۵- اخلاق و توسعه
۱۰۱	۶- اخلاق و دموکراسی

در آغاز کلام

یکی از شاخه‌های مهم فلسفی، فلسفه اخلاق است. این شاخه از فلسفه مدتهای مدیدی است که در غرب مورد عنایت و پژوهش جدی متفکران آن دیار بوده و هست. لیکن در ایران، از عمر این شاخه معرفتی فلسفی، بیش از چند دهه نمی‌گذرد. اما در همین عمر کوتاهی که فلسفه اخلاق در دیار ما سپری کرده است، متفکران و فلسفی اندیشان این دیار تأملات و اندوخته‌های قابل توجهی را در این عرصه به بازار اندیشه ارایه داده‌اند. این تأملات و تحلیلها بگونه‌ای است که با گذشت زمان بر دامنه و عمق آن افزوده شده است.

در عین حال که گرایش به مباحث فلسفه اخلاق در میان متفکران ما - تا حدی - امری ملموس است ولی جای بسی تأسف است که هیچ گرایش یا شاخه فلسفی - در مقطع کارشناسی، کارشناسی ارشد یا دکتری - برای این رشته در نظر گرفته نشده است. به نظر می‌رسد که پیشنهاد مؤکد برای تأسیس رشته یا شاخه‌ای با عنوان «فلسفه اخلاق» در دانشگاه یا حوزه، دور از واقع بینی علمی و عملی نباشد.

نوشتاری که در پیش روی خواننده محترم قرار دارد مجموعه تأملاتی است که بعنوان درآمد و مقدمه‌ای برای ورود به فلسفه اخلاق معاصر ایران، تألیف و تدوین شده است. در مورد مجموعه حاضر لازم است تا نکاتی مذکور افتد:

نخست، سعی بر این بوده است تا در حد امکان، با اندیشه‌های ویژه هر متفکر، همدلی و همراهی شود و اضلاع و اطراف تأملات آنان آنگونه که در آثارشان موجود بوده، مطرح گردد. بعلاوه، کم و بیش، تحلیلها و استنباطها و استنتاج‌هایی نیز بر مبنای آرای ایشان صورت گرفته و فرازهایی بر متون اصلی افزوده گشته است.

دوم، این مجموعه داعیه طرح «همه» اندیشه‌های فلسفی و نظری ریز و درشت این محققان را در باب اخلاق ندارد. بلکه سعی بر این بوده است تا هسته اصلی و گوهر اساسی اندیشه فلسفی و نظری ایشان، به همراه ضمایمی چند، در باب اخلاق، عرضه شود و از همین طریق مجموعه‌ای در دست باشد تا دانشجویان و طالبان چنین مباحثی، از آرای محققان معاصر در باب اخلاق، آگاهی اولیه‌ای کسب نمایند.

سوم، به یقین محققان دیگری نیز در این دیار، دست به تأملات فلسفی در باب اخلاق زده‌اند که جای طرح آرای آنان در این مجموعه خالی است. امید است تا در آینده این مهم نیز انجام پذیرد. چهارم، این مجموعه را می‌توان در حکم گامی تلقی کرد برای مهم انگاشتن و قدر و بها دادن به تفکر فلسفی معاصر ایران و نیز دریدن حجاب معاصرت. در نهایت باید گفت بر ارباب تحقیق و اندیشمندان فرض است تا از تذکرات و تئدهایی که بر فریبی و دقت این مجموعه می‌افزاید، دریغ نورزند.

مسعود امید

دانشگاه تبریز - گروه فلسفه

فلسفه اخلاق علامه محمد حسین طباطبایی

الف - اخلاق شناسی

تفکیک دو منبع در مباحث فلسفه اخلاق از نظر علامه

از جمله مباحث و مسایلی که علامه طباطبایی بدان توجه داشته و در باب آن به تأمل و تحقیق پرداخته‌اند، مبحث اخلاق می‌باشد. بنابر نظر مشهور، علامه در دو مقام به بحث در مبادی اخلاق پرداخته‌اند: در کتاب اصول فلسفه و روش رئالیسم (ادراکات اعتباری) و در تفسیر المیزان؛ لیکن باید توجه داشت که قسمت عمده نظرات علامه در باب اخلاق، در تفسیر ایشان گرد آمده است.

علامه در نخستین اثر نخست - اصول فلسفه و روش رئالیسم - به طور عمده توجه خویش را به مطلق افعال صادر شده از فاعل و رابطه فاعل و فعل معطوف ساخته‌اند. در این مقام، علامه در صدد تحلیل روان‌شناختی - فلسفی و معرفت‌شناختی مفاهیمی از قبیل باید و نباید، حُسن و قبح و... می‌باشند. مراد از تحلیل روان‌شناختی و علم النفسی، تأمل در نحوه انتزاع و حصول ادراکات اعتباری و منظور از تحلیل معرفت‌شناختی، بیان رابطه این نوع مفاهیم با واقع و نفس‌الامر است.

این تحلیلها به طور عمده، معطوف به ادراکاتی است که از رابطه فاعل - فعل، به طور مطلق، حاصل شده؛ شکل می‌گیرند؛ نه آنکه اختصاصاً به اخلاق و افعال اخلاقی مربوط باشند، ولی باید توجه داشت که می‌توان - و باید - از این تحلیلها در باب مفاهیم اخلاقی از قبیل باید و نباید و حُسن و قبح نیز سود برد؛ چنانکه خود علامه نیز در برخی از سخنان خود به این تعمیم

اشاره می‌کنند و برخی از دعاوی خود را نه تنها به ادراکات مربوط به رابطه فاعل - فعل، بلکه به فعل فی نفسه (که به افعال اخلاقی نیز مربوط می‌گردد) نیز تسری می‌دهند. از طرف دیگر، تفسیر المیزان حاوی مطالب و مباحثی است که صرفاً به اخلاق و مبادی آن اختصاص دارند.

به بیان دیگر، مباحث اصول فلسفه (مقاله ششم) به طور عمده، ناظر به مطلق اعتباریات (شعری و...) است ولی در المیزان غالباً اعتباریات اخلاقی مورد نظر است. به نظر می‌رسد برای درک و دریافت هرچه بهتر آرای علامه، در مبحث فلسفه اخلاق، شایسته است تا این تفکیک را در آثار ایشان در نظر گرفته، بدان توجه داشته باشیم. این تفکیک را هم در آرای علامه و هم دیدگاههای شارحان آرای ایشان می‌توان ملاحظه کرد. برای مثال، علامه در بخشی از مقاله ادراکات اعتباری، در باب وجوب و باید بر تفکیک دو قسم باید و وجوب تأکید می‌کنند و می‌فرمایند: «پوشیده نمائید که اوصاف دیگری که گاهی افعال از قبیل اولویت و حرمت و مانند آنها پیدا می‌کنند، چنانکه فقها افعال را به پنج قسم واجب و حرام و مستحب و مکروه و مباح قسمت کرده‌اند، دخلی به این وجوب که مورد بحث ما می‌باشد. ندارند زیرا وجوب مورد بحث ما نسبت به صفت فعل در مرحله صدور از فاعل می‌باشد و عمومی است و اوصاف نامبرده [و نیز اوصاف اخلاقی] صفت فعل فی نفسه می‌باشند و خصوصی هستند و اگرچه آنها نیز مانند وجوب عمومی، اعتباری عملی بوده و از محصولات کارخانه فعالیت انسان [کارخانه اعتبارسازی] می‌باشند ولی اعتبار آنها بسی متأخر از اعتبار وجوب عام است.» (۱)

ایشان در باب حُسن و قبح نیز می‌فرمایند: «خوب و بد یا حُسن و قبح در افعال، دو صفت اعتباری می‌باشند که در هر فعل صادر و کار انجام گرفته اعم از فعل انفرادی و اجتماعی معتبرند و پوشیده نمائید که حُسن نیز مانند وجوب بر دو قسم است، حُسنی که صفت فعل است فی نفسه و حُسنی که صفت لازم و غیرمتخلف فعل صادر است چون وجوب عام؛ بنابراین ممکن است فعلی به حسب طبع [در مقام فی نفسه] بد و قبیح بوده؛ باز از فاعل صادر شود ولی صدورش ناچار با اعتقاد حُسن صورت خواهد گرفت.» (۲)

از طرف دیگر - چنانکه گذشت - مباحث کتاب اصول فلسفه (مقاله ادراکات اعتباری)